

تا مثل تشویش و دگر باید که استغفار بسیار کند اگر بآن دفع  
 نشود جای رود که انوزنان دور باشد اگر بآن دفع نشود  
 مدتی بر صوم و تقلیل طعام مداومت نماید و عالج کند  
 قوه شهوت و توپکین باید و اگر بآن دفع نشود کرد  
 گورستانها رود و از مرده گان عبرت گیرد و از ارواح  
 بزرگان استمداد طلبد اگر بآن دفع نشود کرد زنده گان  
 رود از باطن ارباب فیوض درویره نماید شاید که باران  
 خاطر از وی بردارد و او را در زیر آن بار نهد اردند  
**در اخلاص و پستی که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود**  
 بعد از من هفتاد و سه سال بگذرد بدیستی که ابرامت  
 حلال بود در ایشان را که نخواهد و بر سر کوه با خلوت و عز  
 گزیننده طالب باید همیشه پای بر سر نفس خود نهاد  
 قادل و از مواضع تعلق با سوا مصفا کرد **قسم**

تا نفس

تا نفس تو دور از من باشد  
 دل آسوده شود و نور الهی نشود  
 در کسب بود و خشکی باشد  
 وقت تنهایی سست یکن  
 خانه در کوی و در با کرون  
 روبه یوار عزت آوردن  
 و اینک باره با خدا بستن  
 خاطر از فکر خلق بگسیستن  
 بر دل تشبیه از پی پاس  
 که به سپه ده نکر و انفاست  
 عزت آمد که بدین گنج شود  
 عزت آمد علاج رنج شود  
 بملاقات خلق دم تری  
 بملاقات شان قدم تری  
**طایفه یک** که هم وقت خود را بر آن دارد که دل او را بجان  
 حق سپارد و غلی اینجانی یعنی کشتی حاصل شود  
 تو ای هر روز فرصت غنیمت شمار  
 که فردا ندامت نیاید  
**بدای درویش** مردم این زمانه از عالت کسالت  
 میگویند که روزگاری بگشیم هیچ نمی اندیشند امروز روزی  
 دی روزیست امروز بکار خواهند کرد که فردا بکنند